

الگویی که از ایران به اروپا رفت

از فضای سبز ایرانی که صحبت می‌شود، ذهن به شتاب می‌رود روی نگاره‌هایی که در آنها باغ ایرانی و سرو چشم را نوازش می‌داد. از مینیاتورها که بیرون بیاییم، عده‌ای می‌گویند درختکاری در حاشیه خیابان‌ها اول بار در ایران انجام شد و بعد به اروپا رفت و دست آخر به ایران بازگشت یا اینکه ایده باغ‌های معلق بابل که از عجایب هفتگانه جهان هستند، از ایران گرفته شده است. حالا این روزها در شهرهای ایران، فضای سبز در حاشیه بزرگراه‌ها و خیابان‌ها و برج‌های سر به فلک کشیده، از مسیر توسعه ششپاناک شهر جا مانده. حالا نمی‌توان باغی داشت که بشود پردیس ایرانی و بعد در میان اعراب بشود فردوس و در میان اروپاییان، پارادایز. کمتر کسی می‌داند و ما هم تا پیش از نوشتن این مطلب نمی‌دانستیم که ما در گذشته در طراحی فضای سبز پیشرو بوده‌ایم و حالا همه داشته‌هایمان محدود می‌شود به الگوهایی که از این طرف و آن طرف گرفته‌ایم و درِیغ از یک طراحی جسورانه و هوشمندانه، حالا خیلی چیزها تغییر کرده و می‌کند و با تغییر نیازها، در این مسیر نیازها به فضای سبز به خصوص فضای سبز عمومی و شهری، بیشتر و بیشتر می‌شود. آنها که تخصص دارند، فضای سبز را از دو دیدگاه بررسی می‌کنند؛ فضای سبز کلان که همان فضای سبز بیرون از خانه‌هاست و فضای سبز خرد که داخل خانه‌ها را شامل می‌شود. اما با وجودی که تصور عام در میان بیشتر ما این است که فضای سبز یعنی همین جدول کشی‌ها و سبزه‌کاری‌ها که می‌بینیم، در زندگی مدرن به وجود آمده است کارشناسان این حوزه دیدگاه دیگری دارند. «محمد مهدی شریعتی» از کارشناسان فضای سبز در این باره می‌گوید: «فضای سبز از دیرباز در کشور ما وجود داشته است. این طور نیست که ساخت باغ و بوستان در شرایط کنونی و در جامعه مدرن به وجود آمده باشد، بلکه باغ و پردیس‌های ایرانی از روزگاران پیشین وجود داشته‌اند. از طرف دیگر ما در فرهنگ بعد از اسلام هم به توسعه و نگهداری باغات اهمیت زیادی داده‌ایم. همین طور در داخل منازل در ایران همواره فضای سبز و نگهداری می‌شده است. شکل انتزاعی باغ و بوستان در قالی‌های ما نیز وجود داشته و خانه‌ای نبوده که از این قالی‌ها خالی بوده باشد. در شهرهای کویری اگر نگاه کنیم همیشه حوضی بوده که دور تا دور آن گلدان نگهداری می‌شده یا در ماسوله گلدان‌های گل پشت پنجره‌ها چشم‌نواز است.»

تفاوت دیدگاه و تفاوت اقلیم

از کشورهای حاشیه استوا که بگذریم، شاید جایی در جهان به اندازه اروپا سبز نباشد. آب فراوان و نامحدود و شهرهایی که میان جنگل‌ها به گرفته‌اند، موجب شده دیدگاه آنها با ما ایرانی‌ها که اقلیمی گرم و خشک داشته‌ایم و البته کار کرد فضای سبز، به کل متفاوت باشد. «شریعتی» می‌گوید: «ما در اقلیم گرم و خشک بوده‌ایم و طبیعتاً آب برای ما نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. آنها اما فضای مرطوبی داشته‌اند و به تبع آن فضای سبز طبیعی، در ایران اما با سختی و مرارت فضای سبز ایجاد می‌کرده‌ایم، هر چند در ایران از گذشته‌های دور باغ‌ها و باغراه‌ها وجود داشته، به این معنا که اگر در مسیری آب عبور می‌کرده در اطراف آن حتماً درختانی کاشته می‌شده. حتی برخی اعتقاد دارند کاشت درختان در حاشیه خیابان‌ها از ایران آغاز شده و به اروپا رفته و دوباره به ایران بازگشته است. در هر حال فضای سبز با ایران و ایرانی عجین بوده است.» اما این روزها که تهران زمین‌چندانی ندارد، برای سبز کردن و ناچار، حاشیه بزرگراه‌های تهران به سبزی مزین می‌شود. باید دید این سبزی از کجا آمده و به چه قیمتی؟ «علیرضا زارع» متخصص جنگل‌شناس در این باره

نگاه»

الگویی که از ایران به اروپا رفت

کاشت درخت در حاشیه خیابان



فضای سبز خیابان در تهران

نیز به آن اشاره می‌کند و البته دیدگاه او بیشتر زیست‌محیطی است تا اجتماعی: «ما در حال حاضر برای ایجاد فضای سبز زمین کافی در اختیار نداریم. این است که الگوهای فضای سبز جدید، عمودی و باغ‌بام هستند. باغ‌بام‌ها می‌توانند جزایر گرمایی را که به دلیل استفاده از آسفالت در پشت‌بام‌ها تشکیل می‌شود، کاهش دهند. ایجاد باغ‌بام می‌تواند تبادل گرمایی آخرین طبقه ساختمان را با محیط‌اطراف به حداقل برساند.» زارع در مورد فضاهای سبز عمودی نیز می‌گوید: «در مورد فضای سبز عمودی باید بگویم این کار مفید و موثری است که در شهر تهران انجام شده است. بر اساس وضع قوانین شهرسازی قرار است امتیازاتی به مالکان ساختمان‌ها که می‌خواهند فضای سبز عمودی و باغ‌بام ایجاد کنند واگذار شود. امریکا و اروپا روی فضای سبز عمودی خوب کار کرده‌اند. در حال حاضر بحث کاهش مصرف انرژی مطرح است. برای مثال در کشور امریکا شرکت‌های برق خصوصی هستند و به دنبال حداقل مصرف. یکی از عواملی که موجب کاهش تبادل گرمایی ساختمان با فضای بیرون می‌شود، فضای سبز دیواره ساختمان است که این خود موجب کاهش مصرف انرژی است.»

لیخند در فضای سبز، نیاز امروز

به اعتقاد شریعتی، یکی از تفاوت‌های الگوهای فضای سبز در ایران و اروپا این است که اروپایی‌ها اساساً نیازی به سایه نداشته و ندارند. او در حالی که می‌گوید نقش فضای سبز بالاتر از ایجاد اکسیژن و در واقع نقشی اجتماعی است و چیزی که ما به آن نیاز داریم، لیخند است و این لیخند در

فضای سبز به وجود می‌آید، در مقایسه‌ای اجمالی میان گذشته و حال می‌گوید: «ما در گذشته نیاز به فضای اجتماعی داشته‌ایم که به راحتی با رسیدن به سرچشمه‌ای و جویباری به دست می‌آمده، در گذشته باغ‌آشپزخانه‌هایی داشته‌ایم که عبارت بوده از زمینی سبز که در آن جدا از گل و گیاه، سبزیجات مورد استفاده در آشپزخانه هم کشت می‌شده، پنجره آشپزخانه به آن باز می‌شده و بچه‌ها در آن بازی می‌کرده‌اند. چنین چیزی را به میزان خیلی کم هنوز هم می‌توان در شمال دید.» امروز اما فاصله‌ها تا سرچشمه زیاد شده و برای رفتن تا سرسبزی باید ۸٫۷ساعتی در ترافیک چالوس و هراز و فیروزکوه معطل ماند. این است که او معتقد است برای داشتن فضای سبزی که بتواند نیاز این روزها را پاسخ بگوید، طرحانی توانمند و جسور مورد نیاز است: «چیزی که ما در حال حاضر در زمینه فضای سبز به آن نیاز داریم، طرحانی جسور و توانمندند. این طراحی فضای سبزی که این روزها در شهر مشاهده می‌شود، حتی به اندازه عمر طراحش هم ماندگار نیست. فضای سبزی پایدار است که بتواند باغ گلشن و باغ جمشیدیه را ایجاد کند. طراحی‌ای که داخل آن پراگندگی وجود داشته باشد والا این جدول کشی‌ها و سبز کردن‌ها هیچ ماندگاری ندارند.» به اعتقاد او، تفاوت فضای سبز کلان حاضر ما و برای مثال اروپا در این است که اساساً در اروپا، نهاد تازه‌ای به نهاددای سنتی موجود مانند دین و خانواده افزوده شده است. این نهاد، نهاد تفریح و تفرج است و چیزی که مسلم است این است که یک موضوع وقتی به

عنوان نهاد مطرح می‌شود که نیاز اساسی بشر باشد. به وجود آمدن این نهاد نگرش‌ها را تغییر می‌دهد. در اروپا دیگر فضای سبز به شکل سنتی مطرح نیست بلکه جایی برای تفریح و تفرج مطرح است. آنها نیازی به افزودن فضای سبز ندارند در حالی که ما شاید به یک پارک نیاز داشته باشیم. این هم به این نکته بازمی‌گردد که شهرهای آنها درون جنگل‌ها واقع شده است اما ما از جنگل تنها لکه‌هایی می‌بینیم. «زارع» هم معتقد است: ما برای داشتن فضاهایی همیشه سبز مانند اروپا، مشکلاتی داریم بنابراین تفاوت ما با آنها این است که آنها می‌توانند به راحتی از چمن استفاده کنند اما نیاز فراوان چمن به آب آن را برای اقلیم خشک ایران نامناسب می‌کند: «مشکل اساسی در مورد چمن آن است که نه‌تنها در تابستان باید آبیاری زیادی شود بلکه در ماه‌های سرد سال هم در تهران نیاز به آبیاری دارد. برای اقلیم تهران گیاهان بوته‌ای که ترجیحاً فصلی نباشند، مانند بوته‌های گل مناسب است. به هر حال تخمیر و تریق در اقلیم ما زیاد است. بر همین اساس است که در شمال ایران می‌توان از الگوهای اروپایی استفاده کرد اما در باقی اقلیم‌ها با مشکل مواجه می‌شود. البته برای مثال در کشورهایی مانند امارات متحده عربی با صرف هزینه بالا اقدام به ایجاد فضای سبز فضای سبز کرده‌اند اما از سوی دیگر این هزینه با جذب توریست پوشش داده می‌شود اما در جایی که فضای سبز برای شهروندان ایجاد می‌شود و بازدهی اقتصادی ندارد، باید با هزینه کم و پوشش بالا ایجاد شود.»



یاسر انصاری‌کجوری».....

نظیر در قوانین حقوقی مورد نیاز جهت حفظ درختان و باغات به جای‌مانده در شهر تهران به مثابه گنجینه بی‌بدیل و سرمایه کلان شهروندان از یک سو و اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی جهت آشنا ساختن شهروندان با حداقل حقوق خود در این باره و بیان اهمیت و جایگاه فضای سبز برای کاهش تبعات آلودگی‌های بصری و التیام بخشی‌دن به روح و روان آحاد جامعه که سبب حساس شدن صاحبان اصلی جامعه به حقوق و مطالبه‌محور شدن شهروندان خواهد شد، دو راه حل جدی برای مبارزه با تبعات آلودگی هوای شهرهای آلوده است. افزایش قیمت اراضی در تهران و کلان‌شهرها، گسترش فضای سبز را به شکل جدی روبه‌رو ساخته که این موضوع ضرورت حفاظت از داشته‌های موجود و جلوگیری از تخریب روند افزایشی و لجام‌گسیخته فضای سبز موجود نظیر آنچه در خرگوش دره، لویزان و اتوبان آزادگان می‌گذرد را دوچندان می‌کند، از سویی سیاست جدید مدیریت شهری در افزایش سرانه فضای سبز از طریق بومی‌سازی و خصوصی‌سازی فضاهای سبز عمودی و بام‌های سبز دو راه جدی برای مهار آلودگی‌ها به کمک گیاه‌پالایی است.پس بیاییم و باور کنیم صرف هزینه در جهت گسترش فضای سبز و حفظ محیط زیست سرمایه‌گذاری بلندمدتی است که محیط‌های شهری را در برابر آلودگی‌ها بیمه می‌کند.

♦دبیرکل کانون عالی گسترش فضای سبز و محیط زیست ایران

«شاهکار»

نگاهی به معماری محیط زیستی و توسعه پایدار شهری از دریچه پایتخت
در جست‌وجوی خاستگاهی تهرانی برای معماری سبز
کمتر از ۳۰ سال پیش وقتی رنزو پیانو به عنوان یکی از نوگرانترین و آوانگاردترین معماران عصر حاضر برای افتتاح یکی از پروژه‌های تجاری‌اش به شرق دور دعوت شده بود در سخنرانی کوتاهی اعلام کرد معماری اجباراً باید با محیط زیست گره بخورد. در آن زمان این سخن احترام گذاشتن به مردمی تلقی شد که با خشم پلاکاردهایی را به نشانه اعتراض به قطع درختان برای ساخت همین عمارت در دست گرفته بودند. اما پیانو آگاهانه از شروع مسیری سخن می‌گفت که امروز به عنوان یکی از اصول مهم توسعه شهری به آن نگرسته می‌شود و در شهرهای توسعه‌یافته آن را همسنگ «توسعه پایدار» می‌دانند.

■ طبیعت‌دوستی ساختمان‌ها

امروزه بسیاری از کلانشهرهای دنیا سودای رسیدن به شرایطی را دارند که در آن توسعه شهری نه‌تنها همراه محیط زیست بلکه جزء و لازمه آن باشد. در آخرین اجلاس شهرداران کلانشهرهای آسیایی که در تهران برگزار شد، سخنرانی بسیاری از مدعوین به معرفی پروژه‌هایی گذشت که علاوه بر داشتن مولفه‌های معماری سبز در توسعه پایدار شهرها نیز نقش عمده‌ای دارند. چنین سازه‌های شهری و عمومی در مقیاس بومی نه صرفاً به عنوان یک بنا بلکه جزئی از ساختار تسهیل‌کننده شهر به حساب می‌آیند تا از طریق آنها شهروندان بتوانند با کاهش مصرف انرژی، افزایش بهره‌وری و دوستی با طبیعت به صورت خودآگاهانه در حفظ منابع طبیعی شهر مشارکت داشته باشند. گرچه شاید این گونه به نظر برسد که معماری سبز نوعی حرکت سرمایه‌داری از سوسی کشورهای پیشرفته جهان باشد، اما تردیدی نیست که در حال حاضر این کشورهای در حال توسعه و خصوصاً آسیایی هستند که در راه تحول شهرهایشان دست به دامن معماری سبز شده‌اند، همان گونه که بسیاری از کارشناسان برج ساخته شده در ابوظبی را اولین برج واقعاً سبز جهان می‌دانند؛ برجی که در همین نزدیکی ما و در یکی از کشورهای منطقه واقع شده است یا شهر چینی در دامنه یانگ تسه که قرار است به عنوان نخستین شهر سبز جهان در سال ۲۰۲۰ به روی مردم گشوده شود.

■ تهران و توسعه پایدارش

درباره جایگاه تهران به عنوان پایتخت ایران که یکی از ۱۰ شهر پرجمعیت جهان به حساب می‌آید، در حوزه معماری سبز و توسعه پایدار سخن گفتن چندان آسان نیست چرا که در وهله اول به لحاظ ساختار قدرت سیاسی، «مدیریت واحد شهری» در این ابرشهر به تعریف روشنی نرسیده و همچنان در میان دو قطب شهرداری- دولت در نوسان است، به طوری که مشخص نبودن منابع اعتباری و نبود توجه دولت به حمل و نقل عمومی اصلی‌ترین دلیل آلودگی پایتخت بوده و از سوی دیگر تعاریف و استانداردهای جهانی برای بررسی روند پایدار شدن توسعه شهری در تهران چندان مصداق‌پذیر نیست.با این همه در حالی که دولت در تلاش است با توان حداکثری پروژه مسکن‌سازی مهر را در حاشیه ابرشهر تهران به سرانجامی برساند، شهرداری با فراغ بال بیشتر به دنبال جذب ایده‌های نو در حوزه مدیریت شهر و حرکت به سوی معماری تلفیق شده با محیط زیست است. این گام اگرچه هنوز تا رسیدن به وضعیت شفافی درباره معماری سبز فاصله دارد اما می‌تواند تلاشی ظرفیت‌ساز در این حوزه به شمار آید. در این میان معماران، شهرسازان و شارحان آکادمیک معماری و شهرسازی معتقدند چنین نگرشی از سوی فضاهای آموزشی به بافت شهر و مدیران آن انتقال یافته چرا که شهرداری در سال‌های گذشته انقدر درگیر با حوزه خدماتی بوده که توان اندیشیدن به چنین موضوعات طولانی‌مدتی را نداشته است. این در حالی است که مدیران شهری نیز به توسعه پایدار و تسلیم معماری در برابر محیط زیست چندان خوشبینانه نگاه نمی‌کنند به گونه‌ای که محمدهادی حیدرزاده مشاور شهرداری تهران در محیط‌زیست در این باره گفته است: «مشکل تهران برای توسعه پایدار یکی دو تا نیست. حتی در جانیابی این شهر که کانون توسعه شده، بررسی‌های درست و دقیقی صورت نگرفته و وقتی چنین اتفاقی از ریشه افتاده، توسعه پایدار صرفاً می‌تواند یک حرف باشد. چون با توجه به وضعیت فعلی که باغ‌ها و بسیاری از عوامل طبیعی از بین رفته‌اند، برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار از جنبه اکولوژیک تقریباً محال خواهد بود.» بنابراین بیجا نیست که این مقام مسوول بگوید: «در مورد خدمات‌های توسعه پایدار در تهران شخص‌های پاییبی داریم.» دکتر بحرینی نیز در کتابی که به بررسی توسعه پایدار پرداخته، آورده است: «به جرات می‌توان گفت تغییر وضعیت کنونی شهرها (از ناپایداری) و هدایت آن در جهت پایداری، مستلزم یک تحول در تفکر یا یک تغییر بنیادی در نحوه فکر و عمل ماست، لیکن کمتر کسی با را از این فزاتر گذاشته، خصوصیات و راه‌های عملی چنین تحولی را بیان کرده است.»

اصول معماری سبز

به تازگی بعضی از بام‌خانه‌ها را با انواع درختچه‌ها و گل‌ها می‌آریند و آن را حرکتی در جهت معماری سبز می‌دانند. این برداشت غلط از معماری محیط زیستی شاید بیشتر نگاه ساده‌دانه به چنین موضوع بااهمیتی باشد. گو اینکه در حال حاضر دسته‌ای از شرکت‌های خدماتی از قبل تبلیغات خود برای سبز کردن بام خانه‌ها به نام «معماری سبز» در آمد قابل توجهی دارند!ا ضعف اطلاعات در این حوزه باعث شده بسیاری از بناهای عمومی و شهری و اماشنراش‌های تاثیرگذار نیز دست به دامن چنین طوهری شوند و حضور خود را در شهر به گونه‌ای که نیستند، توجیه کنند!این در حالی است که تهران از نظرگاه محیط زیستی با بحران جدی روبه‌روست و علاوه بر آلودگی هوا و ترافیک منابع حیاتی‌اش نیز در معرض خطر قرار گرفته است. تاکنون اصولی برای معماری سبز نوشته نشده، اما نگاهی به بعضی از پروژه‌های انجام‌شده در این حوزه حکایت از آن دارد که مهم‌ترین اصل این معماری، حفاظت از انرژی است. حفاظت از انرژی باید با دو مولفه انجام شود. به گونه‌ای که هم کاهش مصرف سوخت در سازه‌را با پوشش دهد و هم کاهش مصرف انرژی در ساخت بنا را. به همین دلیل است که معماران این عرصه به استفاده از مصالح اقلیمی روی می‌آورند و در بناهای خود از مصالح بوم‌آورد و منابع انرژی محلی بهره می‌گیرند و این دومین اصل معماری سبز است. در اصل سوم که به «کاهش استفاده از منابع جدید» شهرت یافته، معماران می‌کوشند ساختمانی طراحی کنند که استفاده از منابع و مصالح جدید را به حداقل رسانده و در پایان عمر مفید خود، منبعی برای ایجاد سازه‌های دیگر به حساب آید. این استفاده مجدد می‌تواند در مسیر استفاده از مصالح بازیافت‌شده یا فضاهای بازیافت‌شده شکل بگیرد، اما باید به یاد داشت که بازیافت ساختمان‌ها و عناصر درون آنها بخشی از تاریخ و پیشینه معماری است.

معماری مدرن با احترامی که برای کاربران قائل شد، ساختمان را در ساختار شهرها به جایگاهی رساند که تمام اصول شهری بر پایه آنها تعریف می‌شد. اما معماری سبز با شورش علیه این نوع نگاه به تمامی استفاده‌کنندگان ساختمان احترام می‌گذارد. به نظر می‌رسد اصل احترام به کاربران، ارتباط اندکی با آلودگی ناشی از تغییرات اقلیم جهان و تخریب لایه ازن داشته باشد اما فرآیند سبز از معماری که شامل احترام برای تمامی منابع مشترک در ساخت یک ساختمان کامل هستند، انسان را از این مجموعه خارج نمی‌کند. گام بعدی معماری سبز قطعاً احترام به سایت است. گلن مورکات معمار استرالیایی می‌گوید ساختمان باید زمین را به گونه‌ای آرام و سبک لمس کند. این گفته امری ویژگی‌ از تعامل میان ساختمان و سایت آن را در خود دارد که برای فرآیند سبز امری ضروری بوده و البته دارای ویژگی‌های گسترده‌تری نیز هست. ساختمانی که انرژی را حریصانه مصرف می‌کند، آلودگی تولید می‌کند و با مصرف‌کنندگان و کاربران خوش بیگانه است در نتیجه هرگز زمین را به گونه‌ای آرام و سبک لمس نخواهد کرد.

■ پوست‌اندازی شهر

بر اساس تازه‌ترین آمارها ۹۸ درصد از ساختمان‌های تهران کوتاه و کمتر از ۹ طبقه هستند و این موضوع نشان می‌دهد که پایتخت آماده یک پوست‌اندازی ساختمانی به منظور افزایش توان سکونتگاهی است. بنابراین توان از این فرصت برای افزایش تعامل معماری و شهر با محیط زیست بهره دوچندان برد. در این راه ابتدا باید دست به دامن معماریانی شد که در پروژه‌های ساختمانی خود اصول ساده اما حیاتی معماری سبز را رعایت کنند و در نهایت با ایجاد بلوک‌بندی‌های شهری، مناطق شهری محیط زیستی فراهم کرده که در طولانی‌مدت به ایجاد یک شهر محیط زیستی می‌انجامند. اولین قدم‌ها در این راه سخت خواهند بود چرا که سلیقه معماری کشور در طول این سال‌ها با بی‌انضباطی‌ها و کپی‌کاری‌های سهل‌انگار همراه بوده و ایجاد تعهد در بدنه ساخت و ساز کشور کار مشکلی است.

منبع: سبز پرس

